

نظام‌اداری کشور، تمرکزگرایی با لحاظ تفکیک وظایف بین قوای سه‌گانه کشور، تخصصی کردن حکومت (تفکیک کارکردها)، یکپارچگی ساختارها و روندها، منابع درآمدی دولت به منابع درآمدی غیررانتی وابسته باشد، عدم وجود فساد اداری و سیاسی، نفوذ نظام سیاسی بر تمام نقاط سرزمینی، یکپارچگی سیاسی و همگرایی و اتفاق نظر اعضای جامعه سیاسی نسبت به فرایندهای سیاسی. (مسیایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۵-۱۶۴) گابریل الموند و لوسین پای در کتاب سیاست‌های مقایسه‌ای نتیجه گرفته‌اند که اگر نظام سیاسی چهار مشکل، نفوذ قدرت سیاسی و یکپارچگی؛ ایجاد حس وفاداری و تعهد نسبت به ملت و منافع ملی و نظام سیاسی در میان توده‌ها؛ مشارکت و سهم شدن در امر قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و ایجاد روند توزیع منابع و امکانات مادی و فرصت‌های مختلف زندگی را حل کند به توسعه سیاسی دست می‌یابد. (آلموند و پای، ۱۹۶۶: ۳۰-۱۶) پرسشی که در ارتباط با جایگاه توسعه سیاسی در سند چشم‌انداز مطرح می‌شود، این است که چه ضرورتی به وجود توسعه سیاسی در سند چشم‌انداز کشور وجود دارد؟ یک فرض این پرسش این است که توسعه اقتصادی بر سند چشم‌انداز حاکم است بنابراین شاید ضرورتی به توجه به توسعه سیاسی در سند چشم‌انداز نباشد. در حالی که توسعه اقتصادی بدون کارآمدی سیاسی نهادهای حاکمیتی و جامعه مدنی اتفاق نخواهد افتاد، به تعبیر مقام معظم رهبری سند چشم‌انداز، نقشه راه کشور است. ایشان در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام در مورخ ۱۳۸۶/۴/۹ بیان داشتند: «در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، سند چشم‌انداز در نظر باشد و این را در همه‌ی سطوح ملاحظه کنند. ثبات در برنامه‌ریزی، شرط موفقیت است. اگر ثبات در برنامه‌ریزی و استمرار در جهت درست نباشد - که البته این حرکت در طول راه، تصحیح هم خواهد شد، لکن جهت‌گیری یکی است و استمرار دارد - سازندگی و پیشرفت کشور به نتیجه نخواهد رسید. بیست‌سال را در نظر بگیرید. هر سال ما یک برنامه داریم - برنامه‌ی یک‌ساله که با بودجه به مجلس داده می‌شود - که اگر بنا باشد جهت‌گیری منظم نباشد، امکان دارد تناقض در این برنامه‌ها، اصلاً کارهایی را هم که انجام می‌گیرد، خنثی کند. ما برنامه‌های پنج‌ساله درست